



اسرار و فلسفه وجوب حج / حج برای مسلمانان یک تولد ثانوی است

روح عبادت، توجه به خدا، و روح سیاست، توجه به خلق خدا است، این دو در حج به هم آمیخته اند. حج عامل مبارزه با تعصبات ملی و نژاد پرستی و محدود شدن در حصار مرزهای جغرافیائی است.

روح عبادت، توجه به خدا، و روح سیاست، توجه به خلق خدا است، این دو در حج به هم آمیخته اند. حج عامل مبارزه با تعصبات ملی و نژاد پرستی و محدود شدن در حصار مرزهای جغرافیائی است.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر یادداشتی است که ابعاد مختلف اخلاقی، سیاسی و فرهنگی حج را مورد بررسی قرار می دهد که از تفسیر نمونه جمیع آوری شده است.

در تفسیر شریف نمونه چنین آمده است: این مناسک بزرگ در حقیقت دارای چهار بعد است که هر یک از دیگری ریشه دارتر و پرسودتر است:

بعد اخلاقی حج:

مهمترین فلسفه حج همان دگرگونی اخلاقی است که در انسانها به وجود می آورد، مراسم «احرام» انسان را به کلی از تعینات مادی و امتیازات ظاهری و لباسهای رنگارنگ و زورویور بیرون می برد، و با تحریم لذائذ و پرداختن به خود سازی که از وظائف محرم است او را از جهان ماده جدا کرده و در عالمی از نور و روحانیت و صفا فرو می برد، و آنها را که در حال عادی بار سنگین امتیازات موهوم و درجه ها و مدالها را بر دوش خود احساس می کنند یکمرتبه سبکبار و راحت و آسوده می کند.

سپس مراسم دیگر حج یکی پس از دیگری انجام می گیرد، مراسمی که علاقه های معنوی انسان را لحظه به لحظه با خدایش محکمتر و رابطه او را نزدیکتر و قویتر می سازد، او را از گذشته تاریک و گناه آلودش بریده و به آینده ای روشن و پر از صفا و نور پیوند می دهد.

مخصوصاً توجه به این حقیقت که مراسم حج در هر قدم یادآور خاطرات ابراهیم بت شکن، و اسماعیل ذبیح الله، و مادرش هاجر است، و مجاهدتها و گذشتها و ایثارگری آنها را لحظه به لحظه در برابر چشمان انسان مجسم می کند، و نیز توجه به اینکه سرزمین مکه عموماً و مسجدالحرام و خانه کعبه و محل طواف خصوصاً یادآور خاطرات پیامبر اسلام و پیشوایان بزرگ و مجاهدتهای مسلمانان صدر اول است این انقلاب اخلاقی عمیقتر می گردد، به گونه ای که در هر گوشه ای از مسجدالحرام و سرزمین مکه، انسان، چهره پیامبر و علی و سایر پیشوایان بزرگ را می بیند، و صدای آوای حماسه های آنها را می شنود.

آری اینها همه دست به دست هم می دهند و زمینه یک انقلاب اخلاقی را در دل های آماده فراهم می سازد، به گونه ای توصیف ناشدنی ورق زندگانی انسان را برمی گردانند و صفحه نوینی در حیات او آغاز می کنند.

بی جهت نیست که در روایات اسلامی می خوانیم: «کسی که حج را به طور کامل انجام دهد «از گناهان خود بیرون می آید همانند روزی که از مادر متولد شده است.» (بحار الانوار ج ۹۹ ص ۲۶)

آری حج برای مسلمانان یک تولد ثانوی است، تولدی که آغازگر یک زندگی نوین انسانی می باشد.

البته احتیاج به یادآوری ندارد که این برکات و آثار - و آنچه بعداً به آن اشاره خواهیم کرد - نه برای کسانی که از حج تنها به پوسته ای از آن قناعت کرده، و مغز آن را بدور افکنده اند و نه برای آنها که حج را وسیله تفریح و سیر و سیاحت و یا تظاهر و ریا و تهیه وسائل مادی شخصی قرار داده و هرگز به روح آن واقف نشده اند سهم آنها همان است که به آن رسیده اند.

بعد سیاسی حج:

به گفته یکی از بزرگان فقههای اسلام مراسم حج در عین اینکه خالصترین و عمیقترین عبادات را عرضه می کند، مؤثرترین وسیله برای پیشبرد اهداف سیاسی اسلام است.

روح عبادت، توجه به خدا، و روح سیاست، توجه به خلق خدا است، این دو در حج آنچنان به هم آمیخته اند که تاروپود یکپارچه.

حج عامل مؤثری برای وحدت صفوف مسلمانان است.

حج عامل مبارزه با تعصبات ملی و نژاد پرستی و محدود شدن در حصار مرزهای جغرافیائی است.

حج وسیله ای است برای شکستن سانسورها و از بین بردن خفقانهای نظامهای ظالمانه ای که در کشورهای اسلامی حکمفرما می شود.

حج وسیله ای است برای انتقال اخبار سیاسی کشورهای اسلامی از هر نقطه به نقطه دیگر، و بالاخره حج، عامل مؤثری است برای شکستن زنجیرهای اسارت و استعمار و آزاد ساختن مسلمین.

و به همین دلیل در آن ایام که حاکمان جبار همچون بنی امیه و بنی عباس بر سرزمینهای مقدس اسلامی حکومت می کردند و هرگونه تماس میان قشرهای مسلمان را زیر نظر می گرفتند تا هر حرکت آزادی بخش را سرکوب کنند، فرا رسیدن موسم حج دریچه ای بود به سوی آزادی و تماس قشرهای جامعه بزرگ اسلامی با یکدیگر و طرح مسائل مختلف سیاسی.

روی همین جهت امیرمؤمنان علی (ع) به هنگامی که فلسفه فرائض و عبادات را می شمرد درباره حج می گوید: «خداوند مراسم حج را برای تقویت آئین اسلام تشریع کرد.» (کلمات قصار نهج البلاغه شماره ۲۵۲)

بی جهت نیست که یکی از سیاستمداران معروف بیگانه در گفتار پرمعنی خود می گوید: «وای به حال مسلمانان اگر معنی حج را نفهمند، و وای به حال دشمنانشان اگر معنی حج را درک کنند.»

و حتی در روایات اسلامی، حج به عنوان جهاد افراد ضعیف شمرده شده، جهادی که حتی پیرمردان و پیرزنان ناتوان با حضور در صحنه آن می توانند شکوه و عظمت امت اسلامی را منعکس سازند، و با حلقه های تو در تو نمازگزاران گرد خانه خدا و سردادن آوای وحدت و تکبیر، پشت دشمنان اسلام را بلرزانند.

بعد فرهنگی:

ارتباط قشرهای مسلمانان در ایام حج می تواند به عنوان مؤثرترین عامل مبادله فرهنگی و انتقال فکرها درآید. مخصوصاً با توجه به این نکته که اجتماع شکوهمند حج، نماینده طبیعی و واقعی همه قشرهای مسلمانان جهان است چرا که در انتخاب افراد برای رفتن به زیارت خانه خدا هیچ عامل مصنوعی مؤثر نیست و زوار کعبه از میان تمام گروهها، نژادها، زبانهای که مسلمانان به آن تکلم می کنند برخاسته و در آنجا جمع می شوند

لذا در روایات اسلامی می خوانیم: یکی از فوائد حج نشر اخبار و آثار رسول الله به تمام جهان اسلام است.

«هشام بن حکم» که از دوستان دانشمند «امام صادق است می گوید: از آنحضرت درباره فلسفه حج و طواف کعبه سؤال کردم، فرمود: «خداوند این بندگان را آفرید... وفرمانهایی در طریق مصلحت دین و دنیا به آنها داد، از جمله اجتماع مردم شرق و غرب را (در آئین حج) مقرر داشت تا مسلمانان به خوبی یکدیگر را بشناسند و از حال هم آگاه شوند، و هر گروهی سرمایه های تجاری را از شهری به شهر دیگر منتقل کنند... و برای اینکه آثار پیامبر و اخبار او شناخته شود، مردم آنها را به خاطر آورند و هرگز فراموش نکنند.» (وسائل الشیعه ج ۸ ص ۹)

به همین دلیل در دورانهای خفقان باری که خلفا و سلاطین جور اجازه نشر این احکام را به مسلمانان نمی دادند آنها با استفاده از این فرصت، مشکلات خود را حل می کردند و با تماس گرفتن با ائمه هدی و علمای بزرگ دین پرده از چهره قوانین اسلام و سنت پیامبر برمی داشتند.

از سوی دیگر، حج می تواند، مبدل به یک کنگره عظیم فرهنگی شود و اندیشمندان جهان اسلام در ایامی که در مکه هستند گرد هم آیند و افکار و ابتکارات خویش را به دیگران عرضه کنند.

اصولاً یکی از بدبختیهای بزرگ این است که مرزهای کشورهای اسلامی سبب جدائی فرهنگی آنها شود، مسلمانان هر کشور تنها

به خود بیندیشند، که در این صورت جامعه واحد اسلامی پاره پاره و نابود می گردد، آری حج می تواند جلو این سرنوشت شوم را بگیرد.

و امام صادق(ع) در ذیل همان روایت هشام بن حکم چه جالب می فرماید: «اگر هر قوم و ملتی تنها از کشور و بلاد خویش سخن بگویند و تنها به مسائلی که در آن است بیندیشند همگی نابود می گردند و کشورهایشان ویران می شود، منافع آنها ساقط می گردد و اخبار واقعی در پشت پرده قرار می گیرد.» (همان مدرک)

بعد اقتصادی حج:

بر خلاف آنچه بعضی فکر می کنند، استفاده از کنگره عظیم حج برای تقویت پایه های اقتصادی کشورهای اسلامی نه تنها با روح حج منافات ندارد بلکه طبق روایات اسلامی یکی از فلسفه های آن را تشکیل می دهد

چه مانعی دارد مسلمانان در آن اجتماع بزرگ، پایه یک بازار مشترک اسلامی را بگذارند، و زمینه های مبادلاتی و تجاری را در میان خود بگونه ای فراهم سازند که نه منافعشان به جیب دشمنانشان بریزد، و نه اقتصادشان وابسته به اجانب باشد، که این دنیا پرستی نیست، عین عبادت است و جهاد.

لذا در همان روایت «هشام بن حکم» از «امام صادق» ضمن بیان فلسفه های حج صریحاً به این موضوع اشاره شده بود که یکی از اهداف حج، تقویت تجارت مسلمانان و تسهیل روابط اقتصادی است.

و در حدیث دیگری از همان امام در تفسیر آیه «لیس علیکم جناح ان تبثغوا فضلا من ربکم» (بقره - ۱۹۸) می خوانیم که فرمود: «منظور از این آیه کسب روزی است. «هنگامی که انسان از احرام بیرون آید و مناسک حج را بجا آورد در همان موسم حج خرید و فروش کند. (و این موضوع نه تنها گناه ندارد بلکه دارای ثواب است) المیزان ج ۲ ص ۸۶

کوتاه سخن اینکه این عبادت بزرگ اگر بطور صحیح و کامل مورد بهره برداری قرارگیرد و زوارخانه خدا در آن ایام که در آن سرزمین مقدس حضور فعال دارند و دلهایشان آماده است از این فرصت بزرگ برای حل مشکلات گوناگون جامعه اسلامی با تشکیل کنگره های مختلف سیاسی و فرهنگی و اقتصادی استفاده کنند، این عبادت می تواند از هر نظر مشکل گشا باشد، و شاید به همین دلیل است که امام صادق می فرماید: «مادام که خانه کعبه برپا است اسلام هم برپا است» (وسائل الشیعه ج ۸ ص ۱۴)، (تفسیر نمونه ج ۱۴ ص ۷۶)

سفر حج در حقیقت یک هجرت بزرگ است، یک سفر الهی است، یک میدان گسترده خودسازی و جهاد اکبر است.

مراسم حج در واقع عبادتی را نشان می دهد که عمیقاً با خاطره مجاهدات ابراهیم و فرزندش اسماعیل و همسرش هاجر آمیخته است، و ما اگر در مطالعات در مورد اسرار حج از این نکته غفلت کنیم بسیاری از مراسم آن به صورت معما درمی آید، آری کلید حل این معما توجه به این آمیختگی عمیق است.

هنگامی که در قربانگاه در سرزمین منی می آئیم تعجب می کنیم این همه قربانی برای چیست؟ اصولاً مگر ذبح حیوان می تواند حلقه ای از مجموعه یک عبادت باشد؟

اما هنگامی که مسأله قربانی ابراهیم را به خاطر می آوریم که عزیزترین عزیزانش و شیرین ترین ثمره عمرش را در این میدان در راه خدا ایثار کرد، و بعداً سنتی به عنوان قربانی در منی به وجود آمد، به فلسفه این کار پی می بریم.

قربانی کردن رمز گذشت از همه چیز در راه معبود است، قربانی کردن مظهري است برای تهی نمودن قلب از غیر خدا، و هنگامی می توان از این مناسک بهره تربیتی کافی گرفت که تمام صحنه ذبح اسماعیل و روحیات این پدر و پسر به هنگام قربانی در نظر مجسم شود، و آن روحیات در وجود انسان پرتو افکن گردد.

هنگامی که به سراغ جمرات (سه ستون سنگی مخصوصی که حجاج در مراسم حج آنها را سنگباران می کنند و در هر بار هفت سنگ با مراسم مخصوص به آنها می زنند) می رویم این معما در نظر ما خودنمایی می کند که پرتاب اینهمه سنگ به یک ستون بی روح چه مفهومی می تواند داشته باشد؟ و چه مشکلی را حل می کند؟

اما هنگامی که به خاطر می آوریم اینها یادآور خاطره مبارزه ابراهیم قهرمان توحید با وسوسه های شیطان است که سه بار بر سر

راه او ظاهر شد و تصمیم داشت او را در این میدان «جهاد اکبر» گرفتار سستی و تردید کند، اما هر زمان ابراهیم قهرمان، او را با سنگ از خود دور ساخت، محتوای این مراسم روشنتر می شود.

مفهوم این مراسم این است که همه شما نیز در طول عمر در میدان جهاد اکبر با وسوسه های شیاطین روبرو هستید، و تا آنها را سنگ سار نکنید و از خود نرانید پیروز نخواهید شد.

اگر انتظار دارید که خداوند بزرگ همانگونه که سلام بر ابراهیم فرستاده و مکتب و یاد او را جاودان نموده به شما نظر لطف و مرحمتی کند باید خط او را تداوم بخشید.

و یا هنگامی که به «صفا» و «مروه» می آئیم و می بینیم گروه گروه مردم از این کوه کوچک به آن کوه کوچکتر می روند، و از آنجا به این باز می گردند، وبی آنکه چیزی به دست آورده باشند این عمل را تکرار می کنند، گاه می دوند، و گاه راه می روند، مسلماً تعجب می کنیم که این دیگر چه کاری است، و چه مفهومی می تواند داشته باشد؟

اما هنگامی که به عقب برمی گردیم، و داستان سعی و تلاش آن زن با ایمان «هاجر» را برای نجات جان فرزند شیر خوارش اسماعیل در آن بیابان خشک و سوزان به خاطر می آوریم که چگونه بعد از این سعی و تلاش خداوند او را به مقصدش رسانید، چشمه زمزم از زیر پای نوزادش جوشیدن گرفت، ناگهان چرخ زمان به عقب برمی گردد، پرده ها کنار می رود، و خود را در آن لحظه در کنار «هاجر» می بینیم، و با او در سعی و تلاشش همگام می شویم که در راه خدا بی سعی و تلاش کسی به جایی نمی رسد

و به آسانی می توان از آنچه گفتیم نتیجه گرفت که «حج» را باید با این رموز تعلیم داد، و خاطرات ابراهیم و فرزند و همسرش را گام به گام تجسم بخشید، تا هم فلسفه آن درک شود و هم اثرات عمیق اخلاقی حج در نفوس حجاج پرتو افکن گردد، که بدون آن آثار، قشری بیش نیست. (تفسیر نمونه ج ۱۹ ص ۱۲۵)